

همتی به کارنامه دولت نمره داد: افت سرمایه گذاری و جهش نقدینگی در دولت

رئیس کل بانک مرکزی در سخنانی کم سابقه و صریح، ضمن تأیید رشد اقتصادی سال های اخیر، از واقعیت های نگران کننده اقتصاد ایران پرده برداشت؛ واقعیت هایی شامل افت شدید سرمایه گذاری، کاهش قابل توجه درآمد سرانه و جهش نقدینگی در دولت چهاردهم. این اظهارات که با تغییر محسوس مواضع پیشین او همراه است، نشان می دهد چالش های ساختاری اقتصاد همچنان پابرجاست و در صورت تداوم روندهای فعلی، چشم انداز روشنی برای بهبود قدرت خرید مردم و رشد پایدار اقتصادی متصور نخواهد بود.

۴



نسخه جدید برای واگذاری اهرم قدرت

از توصیه به عقب نشینی و تعیلق ابدی
هسته ای تا توصیه به خویشتنداری در
تنگه هرمز؛ نسخه تکراری برای ایران،
امتیاز تازه برای دشمن

۷



مارادونا را بیخیال، غضنفر را بچسبید!

۸

اصرار بر خطای محاسباتی

۲



حماس در امتداد خط سنوار

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

انتخاب «خلیل الحیه» به ریاست دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس را باید فراتر از یک جابه جایی تشکیلاتی تحلیل کرد. این انتخاب، در واقع همه پرسی درون سازمانی درباره مسیر آینده حماس بود. مسیری که میان دورویکرد متفاوت قرار داشت: ادامه خط مقاومت شهیدان اسماعیل هنیه و یحیی سنوار یا بازگشت به الگوی سال های گذشته با محوریت خالد مشعل. نتیجه اما روشن شد. حماس با انتخاب الحیه نشان داد که قصد تغییر ریل ندارد و همچنان در همان مسیر حرکت خواهد کرد.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۳

سیاسی

در بر پاشنه توافق

پزشکیان با وجود نقض تعهدات آمریکا و حمله دوباره به ایران، همچنان از تفاهم نامه دفاع کرده و به جای تمرکز بر عهد شکنی واشنگتن، از «پیامدهای مقاومت» سخن گفته است؛ رویکردی که پرسش هایی درباره چرایی این موضع گیری ایجاد کرده است.

صفحه ۴

اقتصادی

هرمز بسته شد؛ بنزین در آمریکا قد کشید

با تشدید دوباره تنش ها در خلیج فارس و بسته شدن تنگه هرمز، قیمت نفت و بنزین در آمریکا بار دیگر صعودی شد؛ افزایشی که هم زمان با فصل اوج سفرهای تابستانی، فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کرده و نگرانی ها درباره بازگشت موج جدید تورم را تقویت کرده است.

توضیحات ربیعی دستیار رئیس جمهور درباره گزارش انتقادی نوبنیاد از نظرسنجی او واجد کدام واقعیات است؟

اصرار بر خطای محاسباتی

شده که گزارش اخیر نوبنیاد مستند به آمار و ارقام گزارش خود او بوده است. در عین حال موارد متعدد و مستندی از نظرسنجی‌ها و گزارشات مبتنی بر داده واقعی وجود دارد که فضایی کاملاً متفاوت از گزارشات ربیعی را از جامعه ایرانی نشان می‌دهد.

علی ربیعی دستیار اجتماعی رئیس جمهور در پاسخ به گزارش روز گذشته نوبنیاد پیرامون نظرسنجی‌ای که او برای مقامات اجرایی کشور تهیه کرده و انتقادبرانگیز شده، توضیحاتی ارائه کرد که فی الجمله می‌توان آن را اصرار بر خطای محاسباتی او قلمداد کرد. او در حالی مدعی تحریف حقیقت



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

خواهند کرد. پیش از این نیز مطابق نظرسنجی‌های متعددی که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت امسال از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس، صداوسیما و مرکز تحلیل اجتماعی (متا) انتشار یافته بود، داده‌ها حکایت از اعتماد و حمایت افکار عمومی از ارکان قدرت ایران و سیاست‌های راهبردی مهم کشورمان از جمله نیروهای مسلح، خطوط قرمز رهبر معظم انقلاب و اعتماد به ساختارهای رسمی کشور داشته است.

داده‌سازی برای تغییر پارادایم

به نظرمی‌رسد یک جریان خاص با تکیه بر داده‌ها و آمارهای غیرواقع و گاهی جعلی، در پی اثبات بر ضرورت ادعایی تغییر پارادایم در کشور است. در شرایطی که همبستگی ملی در پی دو جنگ و یک کودتای یکسال اخیر اوج گرفته و همچنین بی‌اعتمادی به غرب و امضای رئیس جمهور آمریکا در لایه‌های متعددی از جامعه تثبیت شده است، جریان غرب‌گرا در تلاش است تا بواسطه آمارسازی و انتقال آن به برخی مقامات اجرایی، از الهیات منقرض شده خود در باب مذاکره و سازش اعاده حیثیت کند. رویکردی که در ایام پس از جنگ ۱۲ روزه و نمایش اوج خیانت و جنگ طلبی غرب، در قالب مطالبه چهره‌های جریان تسلیم‌طلب برای تغییر پارادایم ظهور و بروز یافت.

متاثر از فضا سازی مشاوران و حلقه‌های اطراف رئیس جمهور است. چنانکه نظرسنجی‌های متعدد دیگر، موید نکاتی امیدبخش و هم‌افزا از جامعه ایرانی است. روز گذشته «مهدی رفیعی بهابادی» رئیس مرکز افکارسنجی آراء در پاسخ به «علی ربیعی» دستیار اجتماعی رئیس جمهور نوشت: پیمایش اردیبهشت ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که با وجود مشکلات اقتصادی و برخی مطالبات، در عین حال، در شرایط تهدید خارجی جامعه ایران از ظرفیت بالایی برای همبستگی ملی، دفاع از کشور و حفظ ثبات اجتماعی برخوردار است. وی افزود: در جریان جنگ تحمیلی رمضان و ماه‌های پس از آن، براساس ۳ پیمایش مرکز افکارسنجی آراء بیش از نیمی از مردم ایران در جمع‌ات شبانه حضور یافته‌اند؛ حضوری که تاکنون بیش از چهار ماه تداوم داشته و اقبال مختلف مردم با گرایش‌های سیاسی متفاوت در آن شرکت کرده‌اند. حضور چند ده میلیونی مردم در مراسم تشییع امام شهید نیز در تداوم همان حضور خیابانی مردم قابل ارزیابی است. به گفته رفیعی، طبق نتایج پیمایش‌های متعدد، ارزیابی مردم از عملکرد نیروهای مسلح بسیار مثبت بوده، اکثریت پاسخگویان از عملیات دفاعی کشور احساس غرور و افتخار کرده‌اند، بخش بزرگی از جامعه ایران را برنده جنگ دانسته و اعلام کرده‌اند در صورت حمله مجدد، از کشور دفاع

ربیعی در بخشی از توضیحات خود البته اذعان دارد که ادعای متن نیز این نیست که با یک پیمایش مستقل یا پژوهشی مبتنی بر تولید داده اولیه مواجهیم؛ هدف، تبدیل مجموعه‌ای از یافته‌های اجتماعی به تصویری قابل استفاده برای سیاست‌گذار است. با این حال او مدعی شده: سنجش افکار عمومی و تبیین آن، یکی از ابزارهای ضروری حکمرانی و تصمیم‌گیری آگاهانه است. مدیران ارشد زمانی می‌توانند تصمیم‌هایی واقع‌بینانه، کم‌هزینه و متناسب با نیازهای جامعه اتخاذ کنند که از نگرانی‌ها، امیدها، مطالبات، ارزش‌ها و تغییرات نگرشی مردم آگاهی داشته باشند. تصمیم‌گیری بدون شناخت جامعه، به معنای سیاست‌گذاری در تاریکی است. اتفاقاً نقطه آغازین انتقاد برگزارش اخیر و نیز از همین درگاه طرح می‌شود. شناخت جامعه حتماً یکی از ابزارهای مدیران ارشد کشور برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری است اما برخی گزارشات و داده‌سازی‌ها از همین واقعیت سواستفاده کرده و تلاش می‌کند تا به واسطه ارائه آمار غیرواقعی، رویکرد مدیران ارشد را تحت الشعاع قرار دهد. همچنانکه بسیاری از کارشناسان معتقدند بخش عمده‌ای از خطاهای محاسباتی دولت چهاردهم و شخص پزشک‌پژشکیان،

تحریم و جنگ، موتور جهش فناوری‌های دفاعی ایران شد

سرپرست وزارت دفاع با تشریح ابعاد فناورانه جنگ اخیر اظهار داشت: امروز دانشمندان وزارت دفاع در برابر پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهان قرار گرفته‌اند و دشمن نیز با بهره‌گیری از تمام ظرفیت شرکت‌های فناور جهان، در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان وارد میدان شد اما جمهوری اسلامی ایران از این نبرد فناورانه سربلند بیرون آمد. سردار ابن‌الرضا با اشاره به اینکه بخش مهمی از زیرساخت‌های دفاعی کشور سال‌ها پیش با تدبیر رهبر شهید انقلاب، برنامه‌ریزی و با تلاش نخبگان جوان و شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد شده بود، افزود: این ظرفیت‌ها در مدت کوتاهی بازسازی شد و حتی در میانه جنگ نیز شاهد شگفتانه‌های فناورانه، چه در حوزه تکنیک و چه در حوزه تاکتیک، بودیم؛ شگفتانه‌هایی که دشمن را غافلگیر کرد و نشان داد جنگ اخیر به فرصتی برای جهش فناوری‌های دفاعی تبدیل شده است. وی تحول در نگاه کشور به فناوری را از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ اخیر دانست و تصریح کرد: صنعت دفاعی، ستون اصلی قدرت ملی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است و تجربه جنگ نشان داد فاصله‌های جغرافیایی با دشمن، تنها با اتکا به فناوری‌های پیشرفته قابل جبران است.

متفکر آزاد: تنگه هرمز از کنترل ایران خارج نخواهد شد

عضو هیئت رئیسه مجلس با اشاره به حملات اخیر آمریکا علیه ایران، گفت: خارج کردن تنگه هرمز از کنترل ایران امکان‌پذیر نیست و جمهوری اسلامی در این زمینه کوتاه نخواهد آمد. متفکر آزاد با اشاره به اهداف آمریکا از اقدامات اخیر، گفت: اگر آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که تمرکز خود را بر خارج کردن تنگه هرمز از کنترل ایران قرار دهند، باید بدانند که این امکان‌پذیر نیست. وی افزود: تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران و ملت ما یک دارایی ژئوپلیتیکی است و در دکتترین ما جایگاه استراتژیک پیدا کرده است و اصلاً امکان اینکه در این زمینه کوتاه بیاوریم، وجود ندارد. متفکر آزاد تأکید کرد: آمریکایی‌ها باید این واقعیت را درک کنند و اگر درک نکنند، ما با دبیاتی که آن‌ها می‌فهمند این موضوع را به آن‌ها خواهیم فهماند. نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی در ادامه درباره نوع پاسخ ایران به دشمن در نبرد هرمز، گفت: نوع ورود رزمندگان ما با هدف قرار دادن پایگاه‌های جدیدتری که در جنگ ۴۰ روزه هدف قرار نگرفته بود، انجام شده است. همچنین حملات نقطه‌زن و دقیقی که آثار جدی بر روند جنگ دارد، در حال انجام است و این اقدامات با دقت و برنامه‌ریزی دنبال می‌شود.

ایران از خون افراد بی‌گناه نمی‌گذرد

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با انتشار پیامی در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی در واکنش به حملات دشمن، نوشت: جنایات آمریکا در جنوب کشور مانند مدرسه میناب، بیمارستان کودکان سرطانی اهواز، سالن ورزشی لامرد، حملات مکرر به مناطق مسکونی و غیرنظامی و... نشان دهنده ناتوانی و استیصال ارتش مدعی حقوق بشر در رویارویی با ایران فاتح جنگ ۱۲ روزه و نبرد رمضان است. جنوب سرافراز همیشه سنگر دفاع از ایران بوده و قلب تمامی هموطنانمان آنجاست. دشمنان ملت رشید ایران باید بدانند که نیروهای مسلح از خون ریخته شده افراد بی‌گناه گذر نخواهند کرد و روزگارشان را سیاه می‌کنند.

ولایت

لبیک مدیران ارشد ادوار به فرمان رهبری برای قصاص و انتقام از دشمنان

جمعی از معاونان رئیس جمهور، وزرا و استانداران ولای ادوار در لبیک به فرمان آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مبنی بر قصاص و انتقام عاملان و آمران شهادت امام مجاهد شهید و تعدادی از اعضای خانواده معظم له، دانشمندان و مدیران ارشد نظامی و غیرنظامی، دانش‌آموزان معصوم میناب و سایر اقشار مردم غیرنظامی بیانیه‌ای صادر کردند. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: همانگونه که امام امت (حفظه‌الله) تأکید فرمودند، این انتقام، خواست ملت است و تحقق آن، متوقف بر وجود افراد خاص نیست و به فضل الهی، محقق خواهد شد. ما در این برهه حساس، از تمامی آزادی‌خواهان جهان، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول درون و برون‌مرزی کشور می‌خواهیم که با هوشیاری مضاعف و بهره‌گیری از تمامی توانمندی‌های دفاعی و امنیتی، بستر لازم برای تعقیب و مجازات قاطع عاملان، آمران و حامیان این جنایت‌ننگین و سهمگین را فراهم آورند. فهرست این جنایتکاران، از صدر تا ذیل، مشخص

و موجود است باشد که آرزوی مرگ آرام را، به گور برند. ما انتقام عادلانه این خون‌های الهی را نه صرفاً یک حق، که یک تکلیف شرعی و انقلابی می‌دانیم و باید در اسرع وقت به مرحله اجرا درآید، تا به عنوان عامل بازدارنده برای همیشه سایه جنگ و ترور رهبران، فرماندهان و دانشمندان را از سر این ملت بزرگ و تاریخ‌ساز دور کند.



زاکانی: موضوع خون خواهی رهبر انقلاب و مردم، امری شخصی نیست



علیرضا زاکانی شهردار تهران با اشاره به به موضوع خون خواهی رهبر شهید انقلاب گفت: موضوع خون خواهی رهبر

انقلاب و مردم، امری شخصی نیست. برخی روشنفکران از امام جامعه خواستند از انتقام پدرشان بگذرند، گویی این مسئله امری شخصی است؛ در حالی که در آیه ۱۹۴ سوره بقره، حرمت شکنی را واجد قصاص می داند و می گوید این امر بخشش پذیر نیست و همان کاری که دشمن کرد را با او انجام بده. در این نقطه دیگر گذشتی وجود ندارد.

جریان خون خواهی در طول تاریخ، بین جبهه حق و باطل حد مشخصی می گذارد که حق و باطل را مشخص می کند؛ به گونه ای که در زیارت

عاشورا نیز می خوانیم و تمنا داریم در رکاب امام زمان (عج) خون خواه باشیم. وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تجربه کم نظیر تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب گفت: تجربه ای که در تشییع پیکر رهبر انقلاب رقم خورد، مانوری بی نظیر بود. در تهران خود را مهیا کردیم تا برای ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر محل اسکان فراهم کنیم که این اقدام در تاریخ بلدی به بی نظیر است. این ظرفیت سازی می تواند در بخش های دیگر امور شهری و خدمت رسانی تسری پیدا کند، به خصوص آنکه اکنون در آستانه اربعین هستیم.

یادداشت

مردم، دال مرکزی پیام های رهبر انقلاب

رضا رخسای
کارشناس مسائل سیاسی

رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله سید مجتبی خامنه ای دو پیام مشخص و واضح در خصوص تفاهم نامه را تاکنون بیان کرده اند، که در پیام اول صراحتاً با اعلام نگاهی دیگر در خصوص تفاهم نامه و مذاکرات و اینکه علل اصول نظری دیگر داشتند، امضای تفاهم نامه را محدود به سطح دو رییس جمهور دانسته و در همین پیام تصریح میکنند که اگر طرف آمریکایی بخواهد زیاده خواهی کند زیر بار آن نخواهند رفت و از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود. یعنی رهبر جامعه با مردم (نه با ساز و کارهای دستگاهی) نظاره گر تحقق شروط ازسوی طرف مقابل خواهند بود.

اساساً رهبر انقلاب قالبی دیگر برای اداره و حکمرانی کشور در نظر گرفته اند و آن هم دادن وجهه عملی و میدانی به خود مردمی است که از ابتدای جنگ تا کنون لحظه به لحظه و زیر تهدیدهای عملی موشک های دشمن نه تنها میدان و خیابان را رها نکردند بلکه با ایجاد وحدتی مقدس فراتر از انتظار مسئولان نقش خود را در مقابله با دشمن انجام داده اند. این بصیرت و وفاداری و فهم مشترک که در قالب مردم مبعوث شده خود را نشان داده، حاصل تلاش ها و خون دل خوردن ها و مجاهدت ها و صبوری آن امام عظیم الشانی است که جان خود را هم برای این مردم فدا کرد.

این بعثت مردم بود که توانست طراحی دشمن در داخل برای ایجاد آشوب ها و لایه های بعدی کودتای شکل گرفته را نقش بر آب کند و قوت قلبی شود برای مبارزان و مجاهدان پای لانچرها در میدان مقدم نبرد با استکبار. حضور همین مردم است که در مذاکرات معادلات مقتدارانه به نفع جمهوری اسلامی را رقم میزند و البته حضور همین مردم نیز ذره ای انحراف در مذاکرات را از سوی هر طرف مذاکره که باشد را فریاد میزند و این همان نقش نظارتی هوشمند متعهد است.

رهبری جامعه با این مختصات شکل گرفته از مردم و همراهی آنها می تواند به تمامی اهداف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی که همان پنج مرحله رسیدن به تمدن اسلامی به معنای اتمام کلمه است، دست پیدا کند. یعنی مردم مبعوث شده می تواند با راهبری رهبر جامعه مسائل اقتصادی اجتماعی سیاسی فرهنگی و... را با نقش پذیری تک تک عناصر و همگرایی ایجاد شده، حل و فصل کرده و با اقتدار تمام به سمت تحقق تمام اهداف جامعه و حکومت اسلامی پیشروی کند.

این مردم و بعثت آنها اقتدر مهم و ارزشمند است که اهمیت آن بارها از سوی رهبری جامعه و در تقریباً تمامی پیام های ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. اساساً دال مرکزی تمامی پیام های رهبری جامعه از ابتدای رهبری شان تا کنون (همانند امام شهید) متمرکز بر نقش پذیری مردم در تمامی صحنه های پیش رو نظام اسلامی و حکمرانی کشور است.

حال تنها چیزی که میتواند این همبستگی و اساسی ترین دژ مقابله با دشمن را بشکند و واگرایی ایجاد کند، ضربه زدن به این وحدت و یاطراحی برای دور کردن این مردم مبعوث شده از صحنه اتفاقات است. تلاش های چندین باره دشمن خبیث در فضای شناختی و رسانه ای برای حمله و ایجاد انشقاق در بین مردم از یک سو و طراحی های مزدوران، منافقان و نفوذی های داخلی برای از بین بردن این وحدت و فشار برای جمع کردن مردم از خیابان (که همان خواست دشمن آمریکایی و اسرائیلی است) و هیجانی خواندن و مانع دانستن تجمعات مردم برای مذاکرات و... که از سوی معاونت راهبردی ریاست جمهوری مطرح شده بود، طراحی های لحظه به لحظه صورت داده که این از جمله مواردی است که وحدت و همگرایی این مردم و نقش مهم آنها را نشان داده است.

علیرغم فروپاشی بندهای متعدد تفاهم نامه ۱۴ بندی در نتیجه از سرگیری حملات آمریکا، پزشکيان به دفاع از آن پرداخت

در برپاشنه توافق

مسعود پزشکیان روز دوشنبه در جلسه شورای عالی قضایی در حالی همچنان از تفاهم نامه ۱۴ بندی با آمریکا دفاع کرد که طرف آمریکایی عملاً تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشته و کشورمان بار دیگر هدف حمله قرار گرفته است. با این حال، پزشکيان به جای آنکه از عهدشکنی آمریکا سخن بگویند، از «پیامدهای مقاومت» گفت؛ ادبیاتی که ناخواسته می تواند ایران را در جایگاه مقصر بحران قرار دهد. پرسش اینجاست که وقتی آمریکا به هیچ یک از بندهای تفاهم نامه با رئیس جمهور ایران عمل نکرده، چرا رئیس جمهور همچنان از این تفاهم نامه دفاع می کند؟ و آیا مقاومت ملت ایران در برابر تجاوز دشمن، اکنون باید به عنوان هزینه ای معرفی شود که خود ایران باید آن را بپردازد؟

سعید قاسمی
روزنامه نگار

نیز اجرا نکرده، دفاع از کدام دستاورد و کدام تفاهم نامه صورت می گیرد؟

واقعیت این است که امتیازهای نوشته شده روی کاغذ، برای آمریکا بیش از آنکه تعهدی واقعی باشد،

ابزاری برای رسیدن به هدفی مشخص بود. واشنگتن به دنبال حل بحران انرژی، ذخایر نفت و قیمت سوخت خود بود و در همین چارچوب، موضوع تنگه هرمز اهمیت ویژه ای داشت. امتیازهایی که در متن تفاهم نامه به ایران داده شد، ظاهراً قرار بود مسیر تحقق خواسته های آمریکا را هموار کند که کرد؛ اما به محض آنکه طرف آمریکایی به هدف خود نزدیک شد، تعهداتش را کنار گذاشت و به مردم ایران توهین کرد!

با این حال، بخش نگران کننده تر سخنان رئیس جمهور، جمله ای است که گفت: «باید واقع بین باشیم و پیامدهای مقاومت خود را بپذیریم.» این جمله اگرچه ممکن است در ظاهر دعوت به واقع بینی باشد، در شرایط فعلی یک مغالطه خطرناک است. مقاومت ایران در برابر چه چیزی؟ پیامد کدام تصمیم؟

دولت پزشکيان با این وعده روی کار آمد که سایه جنگ را از سر کشور دور کند. ایران مذاکره کرد، حسن نیت نشان داد و برای جلوگیری از درگیری تلاش کرد؛ اما هر بار درست در میانه همین روندها، کشور هدف حمله قرار گرفت. آیا معنای سخنان رئیس جمهور این است که چون ایران تسلیم نشده، باید پیامد جنگ را بپذیرد؟ پزشکيان جوری سخن می گوید که گویی ایران آغازگر بحران بوده و اکنون باید هزینه

رفتار خود را بپردازد؛ درحالی که ایران برای جلوگیری از جنگ مذاکره کرد و امتیاز داد، اما طرف مقابل به کشور حمله کرد. این ادبیات نه تنها با منافع ملی سازگار نیست، بلکه می تواند به دشمن گرای غلط بدهد. دولت اگر در محاسبات خود اشتباه کرده، نباید هزینه آن را به گردن جنگ بیندازد. اگر آمریکا به تعهداتش عمل نکرده، نباید همچنان از تفاهم نامه ای دفاع کرد که طرف مقابل آن را در دفن کرده است. مقاومت ملت ایران در برابر تجاوز، «هزینه ای» نیست که ایران باید بابت آن عذرخواهی کند؛ این دشمن متجاوز است که باید هزینه تجاوز خود را بپردازد.

ترامپ، با وجود آنکه کنترل واقعی بر تنگه هرمز ندارد، مدام ادعا می کند کنترل آن را در اختیار دارد تا فضای روانی را مدیریت کند. اما رئیس جمهور ایران نباید با ادبیاتی که کشور را در موضع ضعف نشان می دهد، همان چیزی را به دشمن هدیه کند که ترامپ با دروغ تلاش می کند به دست بیاورد.

مقاومت، علت حمله دشمن نیست؛ علت حمله، زیاده خواهی و تجاوز دشمن است. و اگر قرار باشد هر بار پس از حمله دشمن، به جای محکوم کردن متجاوز درباره «پیامدهای مقاومت» سخن بگوییم، عملاً همان روایتی را بازتولید کرده ایم که دشمن می خواهد.

هرمز بسته شد؛ بنزین در آمریکا قد کشید

قیمت نفت با بسته شدن دوباره تنگه هرمز، بار دیگر مسیر صعودی در پیش گرفت. هر بشکه نفت برنت در آغاز معاملات هفته جاری میلادی (دوشنبه همین هفته) با جهش ۵ درصدی به ۹۱ دلار رسید، اما با انتشار برخی خبرها درباره احتمال مذاکرات، به محدوده ۸۸ دلار عقب نشینی کرد. با این حال، افزایش قیمت نفت طی ۱۰ روز گذشته به سرعت خود را در قیمت فرآورده های نفتی آمریکا نشان می دهد. قیمت بنزین در آمریکا در اوج جنگ ۴۰ روزه تا حدود ۴.۵ دلار در هر گالن نیز افزایش یافته بود، در حالی که پیش از جنگ ۲.۹۸ دلار بود. پس از امضای تفاهم نامه پایان جنگ و بازگشایی موقت تنگه هرمز در اوایل تیرماه، میانگین قیمت بنزین در آمریکا به محدوده ۳.۸ دلار برای هر



چنین شرایطی، افزایش قیمت بنزین نه تنها هزینه رفت و آمد روزانه، بلکه هزینه تعطیلات خانوادگی را نیز به شدت افزایش می دهد. به همین دلیل، این افزایش فشار قابل توجهی بر خانواده های آمریکایی وارد می کند و نگرانی ها درباره بازگشت موج جدید تورم را افزایش داده است. از سوی دیگر، قیمت گازوئیل نیز به ۵.۱ دلار رسید، در حالی که میانگین هفته گذشته حدود ۴.۸۷ دلار بود. تحلیلگران انرژی در گلدمن ساکس می گویند تداوم بسته بودن تنگه هرمز، کاهش ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به پایین ترین سطح ۴۰ سال اخیر و کاهش تولید پالایشگاه ها، طی ۲ تا ۳ هفته، قیمت بنزین را به ۵ دلار می رساند و ممکن است به بالاترین سطح تاریخی خود، یعنی بیش از ۵.۵۰ دلار نیز برسد.

همتی به کارنامه دولت نمره داد:

افت سرمایه گذاری و جهش نقدینگی در دولت

سخنان روز گذشته عبدالناصر همتی چرخشی ۱۸۰ درجه ای در مواضع اقتصادی رئیس کل بانک مرکزی پزشکیان بود؛ جایی که او به صراحت رشد مثبت اقتصادی در دولت سیزدهم را تأیید کرد. این در حالی است از او بازگشت به رشد منفی اقتصادی، خروج سرمایه و رشد نرخ نقدینگی در دولت چهاردهم سخن گفت که نشان می دهد مدیریت دو سال اخیر تنها دستاوردی نداشته است.

مداوم افزایش یافت و نرخ رشد نقدینگی در پایان اسفند سال گذشته به ۵۲.۳ درصد رسید. همتی در زمان دولت سیزدهم در توییت نوشته بود که رشد ۲۵ درصدی نقدینگی در ۱۲ ماهه منتهی به دی ماه ۱۴۰۲، از دلایل مهم تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی و دلار ۵۸ هزار تومانی است؛ اما اکنون که رشد نقدینگی در دولت پزشکیان دو برابر شده و به حدود ۵۵ درصد رسیده، می گوید افزایش نقدینگی در ماه های اخیر بد نیست، چون نقدینگی با کیفیت است.

پایه پولی نیز با ثبت رکورد در اقتصاد ایران در پایان سال گذشته به ۶۱.۵ درصد رسید. رئیس کل بانک مرکزی همچنین عنوان کرد که مشکل اقتصاد ایران تنها تورم نیست، بلکه کاهش منابع واقعی اقتصاد نیز به افت رفاه مردم منجر شده است. او افزود: «حتی اگر تورم مهار شود، بدون افزایش تولید، سرمایه گذاری و بهره وری، قدرت خرید مردم ترمیم نخواهد شد.» این سخنان در حالی مطرح می شود که دولت، کاهش پزشکیان در دو سال گذشته بارها از بهبود وضعیت اقتصادی سخن گفته بود، اما اکنون بالاترین مقام پولی کشور اذعان می کند که منابع واقعی اقتصاد کاهش یافته است.

همتی در بخش دیگری از سخنان خود، شوک های خارجی مانند تحریم و جنگ را آغازگر موج های تورمی دانست، اما به سیاست های ارزی دولت که با راهبری او طی این دو سال اجرا شده، اشاره نکرد.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین افزایش نقدینگی را ناشی از نیازهای مالی دولت، افزایش سرمایه در گردش بنگاه ها و تقویت ذخایر ارزی دانست؛ به بیان دیگر، خود دولت نیز یکی از عوامل فشار بر نظام پولی معرفی شد. لازم به ذکر است که همتی به نقش مؤثر خود در ثبت رکورد بالاترین تورم تاریخ ایران در ۸۲ سال اخیر و کسب عنوان ضعیف ترین رئیس کل تاریخ بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز، تورم و نقدینگی، اشاره ای نکرد. در حوزه سیاست ارزی نیز همتی از اصلاح سیاست های ارزی دفاع کرد و اعلام کرد ادامه سیاست ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، حدود ۷.۵ میلیارد دلار تعهد ارزی برای کشور ایجاد کرده بود. او گفت اصلاح نرخ ها موجب شد تقاضای روزانه ارز از حدود ۶۰۰ میلیون دلار به حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار کاهش یابد و میزان بازگشت ارز صادراتی نیز افزایش یابد. در واقع همتی از سیاست حذف تدریجی ارز ترجیحی در دولت چهاردهم دفاع کرد، اما آماری از میزان بازگشت ارزهای صادراتی ارائه نداد.

کاهش سرمایه گذاری امروز به معنای کاهش ظرفیت تولید، اشتغال و رشد اقتصادی در سال های آینده است. همتی خود نیز به این مسئله اذعان کرد و هشدار داد که افت سرمایه گذاری، رشد آینده اقتصاد ایران را محدود می کند. وی همچنین با اشاره به کاهش صادرات نفتی، محدودیت های تجاری، ناترازی انرژی، افزایش هزینه تأمین مالی و نااطمینانی ناشی از جنگ، مجموعه ای از عوامل را برشمرد که باعث شده بنگاه های اقتصادی تمایل کمتری به سرمایه گذاری داشته باشند.

سقوط درآمد سرانه و معمای دهه (از دست رفته)

همتی در بخش دیگری از سخنان خود آماری ارائه کرد که شاید مهم ترین اعتراف اقتصادی دولت چهاردهم باشد؛ او از کاهش ۴۷ درصدی درآمد واقعی سرانه ایرانیان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ خبر داد و گفت: «درآمد ناخالص داخلی واقعی سرانه هریرانی که در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۴۱ میلیون تومان (به قیمت های ثابت سال ۱۴۰۰) بوده، در سال ۱۴۰۳ به حدود ۷۵ میلیون تومان رسیده است.» این سخنان نشان می دهد درآمد سرانه واقعی مردم در سال اول دولت چهاردهم نسبت به دولت احمدی نژاد نصف شده است. هرچند این آمار فقط مربوط به دولت چهاردهم نیست و بخش عمده آن به عملکرد دهه ۹۰ بازمی گردد؛ دهه ای که بسیاری از اقتصاد دانان از آن به عنوان «دهه از دست رفته اقتصاد ایران» یاد می کنند. دورانی که حل مسائل اقتصادی به مذاکره و برجام گره زده شد و حسن روحانی از سال ۱۳۹۲ تا شهریور ۱۴۰۰ ساکنان دار دولت بود. با این حال، همتی در بخش قابل توجهی از این دهه، رئیس کل بانک مرکزی دولت دوازدهم بود؛ دولتی که اقتصاد ایران در آن با جهش های ارزی، رکوردهای تورمی، افت سرمایه گذاری و کاهش شدید ارزش پول ملی مواجه شد. از این منظر، سخنان او نوعی اعتراف به پیامد های سیاست هایی است که بخشی از آن در همان دوره اجرا شد.

جهش نقدینگی در دولت چهاردهم

همتی در دوران دولت سیزدهم مکرراً نسبت به رشد نقدینگی انتقاد می کرد، در حالی که در دولت شهید رئیسی نرخ رشد نقدینگی حدود ۱۵ درصد پایین آمد. نرخ رشد نقدینگی از ۴۰.۵ درصد در پایان شهریور سال ۱۴۰۰ به ۲۷.۸ درصد در شهریور ۱۴۰۳ رسید؛ اما پس از آغاز به کار دولت پزشکیان، این شاخص به طور



نیماسهیلی روزنامه نگار

اعتراف به رشد اقتصادی و افت سرمایه گذاری سخنرانی عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در همایش «چشم انداز اقتصاد ایران» را شاید بتوان یکی از صریح ترین گزارش های اقتصادی دولت چهاردهم از وضعیت کشور دانست؛ گزارشی که از عمق مشکلات اقتصاد، افت سرمایه گذاری و کاهش قدرت خرید مردم سخن گفت. نکته قابل تأمل آن است که همتی در بخش هایی از سخنانش، عملکرد دولت شهید آیت الله سعید ابراهیم رئیسی را تأیید کرد؛ دوره ای که خود بارها به آن حمله می کرد. همتی که از مرداد ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۴۰۰ رئیس کل بانک مرکزی دولت حسن روحانی بود و پس از پایان آن دولت، در فضای مجازی خود را منتقد جدی دولت شهید رئیسی معرفی می کرد، اکنون در جایگاه رئیس کل بانک مرکزی دولت پزشکیان، تصویری از اقتصاد ارائه کرد که با بسیاری از مواضع گذشته اش تفاوت دارد.

نخستین اعتراف مهم همتی، مربوط به رشد اقتصادی سال های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ است. او به صراحت اعلام کرد اقتصاد ایران در این دوره، رشد مثبت را تجربه کرده و افزایش تولید و صادرات نفت، یکی از پیشران های اصلی این رشد بوده است؛ البته تأکید کرد که رشد این سال ها صرفاً نفتی نبوده و بخش های غیرنفتی نیز رشد داشته اند. با این حال متوسط رشد اقتصاد ایران که در دهه ۹۰ نزدیک به صفر بود، در دولت سیزدهم مثبت شد. با این حال، سیاست های دولت چهاردهم رشد اقتصادی را دوباره منفی کرد؛ طبق گزارش بانک مرکزی، رشد اقتصادی در سال گذشته منفی ۰.۷ درصد شد و فقط بخش نفت و خدمات، رشد مثبت اقتصادی را تجربه کردند. از سوی دیگر، همتی تصویری متفاوت از وضعیت امروز اقتصاد ایران را عملکرد دو سال گذشته دولت پزشکیان ارائه داد.

به گفته رئیس کل بانک مرکزی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در فصل سوم سال ۱۴۰۴ با رشد منفی ۱۳.۲ درصد مواجه شده است؛ آماری که از دید بسیاری از اقتصاد دانان، یکی از مهم ترین شاخص های آینده اقتصاد محسوب می شود.



هشدار درباره نقدینگی

جعفرقادی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: مدیریت صحیح نقدینگی یکی از مهم ترین ابزارهای کنترل تورم و ایجاد ثبات در اقتصاد کشور است؛ قطعاً رشد بی ضابطه نقدینگی موجب افزایش تقاضای غیرمولد و کاهش ارزش پول ملی می شود؛ بنابراین تیم اقتصادی دولت و بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست های پولی هدفمند، نظارت مؤثر بر شبکه بانکی، کنترل رشد پایه پولی، هدایت منابع مالی به سمت بخش های مولد و جلوگیری از خلق بی رویه پول، زمینه مدیریت نقدینگی را فراهم کند.

تالار شیشه ای

پایان ۸ روز فشار فروش در بازار سهام

بازار سهام پس از ۸ روز فشار فروش، روز گذشته (دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵) با افزایش تقاضا آغاز شد؛ به طوری که شاخص کل بورس ۱.۲۲ درصد رشد را در پایان معاملات ثبت کرد. بازار پس از چند روز افت متوالی، به مدار صعود بازگشت و با دست برتر خریداران، در ابتدای معاملات ۸۰ درصد نمادها سبزپوش شدند. در پایان معاملات دیروز، ۸۴ درصد نمادها افزایش قیمت را تجربه کردند و فقط ۱۶ درصد نمادها قرمزپوش ماندند. ارزش معاملات خرد در روز میانی هفته به ۲۱ هزار و ۶۹۱ میلیارد تومان رسید. با این حال، خروج پول از بازار متوقف شد و حقیقی ها ۲۷۷۱ میلیارد تومان پول به چرخه سهام و صندوق های سهامی وارد کردند. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه فلزات اساسی با ۵۲۲ میلیارد تومان، فرآورده های نفتی با ۴۳۲ میلیارد تومان، دارویی ها با ۲۷۰ میلیارد تومان، بانک ها با ۲۲۰ میلیارد تومان و معادن با ۲۱۰ میلیارد تومان بود. بدین ترتیب، پس از ۸ روز متوالی روند نزولی و خروج حدود ۳۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی، دیروز خروج پول از بازار متوقف شد. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۶ هزار و ۵۴۳ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

شاخص کل بورس تهران با افزایش ۵۷ هزار و ۹۳۶ واحدی (۱.۲۲ درصد) به ۴ میلیون و ۸۱۳ هزار و ۴۳۸ واحد رسید. این رشد موجب شد شاخص کل پس از یک دوره اصلاح، دوباره به کانال ۴.۸ میلیون واحدی بازگردد. شاخص هم وزن با رشد ۱۹ هزار و ۱۳۷ واحدی (۱.۴۷ درصد) در محدوده یک میلیون و ۳۲۰ هزار و ۲۰۸ واحد قرار گرفت. رشد این شاخص نشان می دهد علاوه بر نماد های بزرگ، شرکت های کوچک و متوسط نیز با افزایش تقاضا مواجه بوده اند. شاخص کل فرابورس ایران نیز با افزایش ۵۷۱ واحدی (۱.۵۳ درصد) در ارتفاع ۳۷ هزار و ۸۶۴ واحدی ایستاد. صندوق های طلا و نقره در معاملات روز دوشنبه، از نظر جریان نقدینگی روند متفاوتی را تجربه کردند. صندوق های طلا در محدوده منفی ۲ تا ۴ درصد معامله شدند. این صندوق ها شاهد ورود ۳۱۸ میلیون پول حقیقی بودند. صندوق های نقره در محدوده ۲ درصد منفی دادوستد شدند و ۲۸۹ میلیارد تومان پول خرد را جذب کردند. کارشناسان می گویند تداوم روند صعودی بازار سهام به حفظ ارزش معاملات و ورود پول جدید به بازار وابسته است. در صورتی که شاخص کل بتواند جایگاه خود را در کانال ۴.۸ میلیون واحدی تثبیت کند، احتمال کاهش فشار فروش و حرکت تدریجی بازار به سمت سطوح بالاتر در روزهای آینده افزایش خواهد یافت.

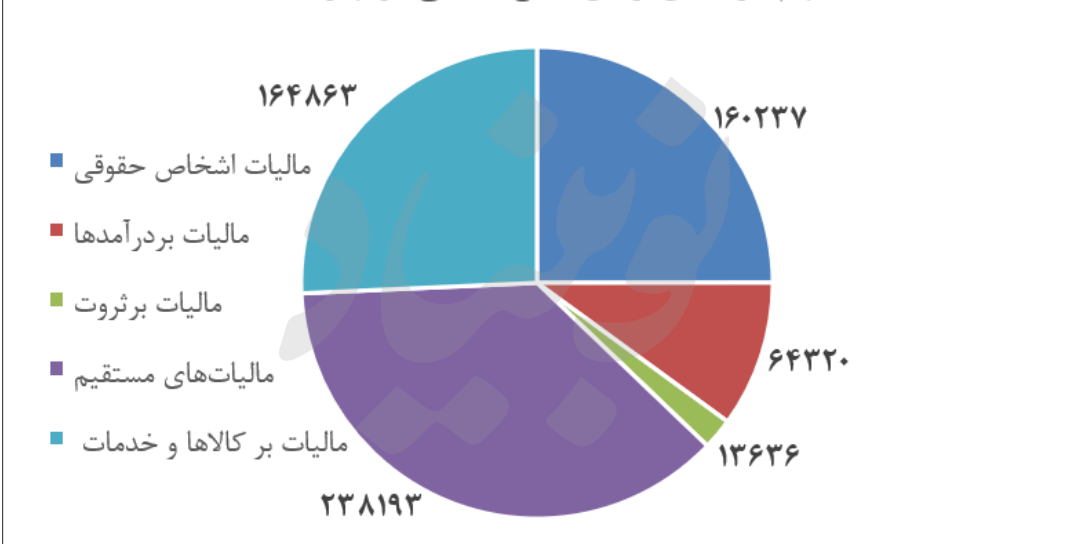
نوبنیاد آمار درآمدهای مالیاتی بهار ۱۴۰۵ را بررسی کرد؛

درآمد مالیاتی دولت کاهش یافت

بررسی آمارهای بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد درآمدهای مالیاتی دولت با رشد اسمی ۳۴ درصدی به ۴۰۳ هزار میلیارد تومان رسیده است، اما این افزایش زیرسایه تورم ۶۲ درصدی، عملاً به معنای کاهش درآمد واقعی خزانه است. اگرچه

پیامدهای جنگ ۱۲ روزه و تعویق وصول مالیات‌ها در این افت مؤثر بوده، اما ریشه اصلی این بحران به رکود عمیق پیش از جنگ و سقوط نرخ رشد اقتصادی بازمی‌گردد که اکنون پایداری بودجه را تهدید می‌کند.

سهم هر بخش از کل منابع مالیاتی در بهار ۱۴۰۵



حمید کمار

روزنامه نگار

خزانه دولت امسال از نظر صوری مالیات بیشتری جذب کرد، اما در واقع ثروتمندتر نشد. درآمدهای مالیاتی در بهار ۱۴۰۵ با رشد ۳۴ درصدی به بیش از ۴۰۳ هزار میلیارد تومان رسید، اما این افزایش از تورم ۶۲ درصدی عقب ماند که در عمل به معنای کاهش درآمد واقعی دولت است. هرچند جنگ ۱۲ روزه بخشی از این عقب ماندگی را رقم زد، اما این تمام ماجرا نیست. اقتصاد ایران پیش از آغاز جنگ نیز وارد مسیر رکود شده بود؛ رکودی که آمارهای بانک مرکزی با ثبت رشد اقتصادی منفی و سقوط سرمایه‌گذاری، مهر تأییدی بر آن می‌زند. از این منظر، افت درآمد واقعی مالیاتی تنها پیامد جنگ نیست، بلکه بازتاب عملکرد اقتصادی دولتی است که نتوانست رشد سال‌های گذشته را حفظ کند و امروز نخستین هزینه آن را در مهم‌ترین منبع درآمد پایدار بودجه می‌پردازد.

گزارش جدید سازمان امور مالیاتی از درآمدهای دولت در سه ماهه نخست سال جاری نشان می‌دهد مجموع درآمدهای مالیاتی از ۳۰۱ هزار میلیارد تومان در بهار سال گذشته به ۴۰۳ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که از رشدی معادل ۳۴ درصد حکایت دارد. این رشد در نگاه اول قابل توجه به نظر می‌رسد، اما وقتی در کنار نرخ تورم قرار می‌گیرد، تصویر کاملاً متفاوتی آشکار می‌شود. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در پایان خرداد امسال به ۶۲ درصد و تورم نقطه به نقطه به ۸۸.۶ درصد رسیده است. به بیان ساده، اگر درآمدهای مالیاتی فقط متناسب با تورم سالانه افزایش می‌یافت، دولت باید حدود ۴۸۸ هزار میلیارد تومان مالیات وصول می‌کرد، نه ۴۰۳ هزار میلیارد تومان. بنابراین، درآمد واقعی مالیاتی دولت نه تنها افزایش نیافته، بلکه نسبت به سال گذشته با کاهش مواجه شده است.

این وضعیت نشان می‌دهد دولت برخلاف تصور عمومی، در سه ماه نخست امسال نتوانسته است افزایش قیمت‌ها را به افزایش متناسب درآمد‌های مالیاتی تبدیل کند؛ رویدادی که می‌تواند ناشی از کاهش فعالیت‌های اقتصادی، افت سود بنگاه‌ها و اختلال در فرآیند وصول مالیات باشد. یکی از عواملی که عملکرد مالیاتی امسال را تحت تأثیر قرار داد، جنگ اخیر و پیامدهای آن بر اقتصاد کشور بود. بروز جنگ از یک سو با کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی

و در نتیجه کاهش درآمد‌های بنگاه‌ها، ظرفیت مالیات‌ستانی دولت را تضعیف کرد. از سوی دیگر، دولت برای حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، دریافت مالیات را به تعویق انداخت. همین عوامل در مجموع باعث افت درآمد‌های مالیاتی دولت در بهار امسال شد.

مالیات مصرف؛ ناجی خزانه دولت

بررسی جزئیات درآمد‌های مالیاتی نشان می‌دهد بیشترین بار افزایش درآمد‌های دولت بر دوش مالیات بر کالاها و خدمات بوده است. درآمد این بخش با رشد ۵۲ درصدی، از ۱۰۸ هزار میلیارد تومان به حدود ۱۶۵ هزار میلیارد تومان رسید. در این میان، مالیات بر ارزش افزوده با رشد ۵۰ درصدی و عبور از مرز ۹۲ هزار میلیارد تومان، همچنان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت باقی مانده است. همچنین درآمد ناشی از سهم یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده (مخصوص متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان) با رشد ۸۰ درصدی، به بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش قیمت کالاها، حتی در شرایط کاهش قدرت خرید مردم، همچنان موجب رشد اسمی درآمد‌های مالیات بر مصرف شده است؛ زیرا مالیات بر ارزش افزوده مستقیماً به قیمت کالا وابسته است و با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، درآمد دولت نیز به صورت صوری و اسمی افزایش می‌یابد.

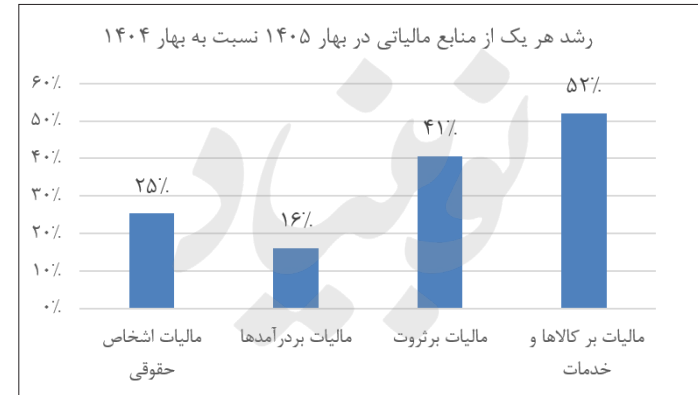
افت مالیات مشاغل و بازار

در مقابل، برخی پایه‌های مالیاتی تصویر نگران‌کننده‌ای از وضعیت اقتصاد ارائه می‌کنند. مالیات مشاغل با ۱۷ درصد کاهش، از ۱۵.۲ هزار میلیارد تومان به ۱۲.۶ هزار میلیارد تومان تنزل یافته است. مالیات بر نقل و انتقال سهام نیز افتی ۳۱ درصدی را تجربه کرده که علت اصلی آن،

تعطیلی طولانی مدت بورس در زمان جنگ و هفته‌های پس از آن است. عوارض خروج از کشور نیز بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته که احتمالاً نتیجه افت سفرهای خارجی در فضای پرریسک ناشی از جنگ بوده است. در نقطه مقابل، درآمد حاصل از مالیات بر نقل و انتقال املاک تقریباً دو برابر شده و مالیات برارث و سرقتی نیز رشد قابل توجهی داشته است؛ درآمدهایی که بیش از آنکه حاصل رونق و پویایی اقتصادی باشند، از تورم شدید بازار دارایی‌ها اثر پذیرفته‌اند.

رکود اقتصادی؛ عامل کاهش مالیات‌ها

کاهش درآمد واقعی مالیاتی دولت را نمی‌توان صرفاً به جنگ ۱۲ روزه یا اختلال‌های مقطعی اقتصاد نسبت داد. بخش مهمی از این ریزش، ریشه در روندی دارد که از سال گذشته آغاز شد؛ روندی که آمارهای بانک مرکزی نیز آن را تأیید می‌کند. بر اساس این آمار، رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت از ۳.۱ درصد در سال ۱۴۰۳ به منفی ۰.۷ درصد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. هم‌زمان، رشد بخش صنعت و معدن از ۲.۴ درصد به منفی ۳.۲ درصد، بخش کشاورزی از ۳.۶ درصد به منفی ۴.۲ درصد و بخش خدمات از ۳.۳ درصد به ۱.۲ درصد کاهش یافته است. نگران‌کننده‌تر از همه، افت ۱۱.۹ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است که از کاهش شدید سرمایه‌گذاری و تضعیف پایه‌ای ظرفیت تولید در اقتصاد کشور حکایت دارد. این آمارها به وضوح نشان می‌دهد اقتصاد پیش از وقوع جنگ نیز وارد فاز رکودی شده بود. در چنین شرایطی، کوچک شدن حجم واقعی تولید، کاهش سطح تجارت و افت سودآوری بنگاه‌ها، به طور طبیعی پایه‌های مالیاتی را منقبض کرده و توان دولت برای وصول مالیات را کاهش می‌دهد.



نبض اقتصاد

جبران ۷۵ درصد ناترازی با برق خورشیدی

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بهره‌گیری از شاخص‌های آژانس بین‌المللی انرژی و شاخص «ظرفیت اعتباری»، ظرفیت بهینه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در ایران را حدود ۲۰ هزار مگاوات تعیین کرده است. بازاری پژوهشی مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «تعیین ظرفیت بهینه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی متناسب با شبکه برق کشور» اعلام کرده است که با وجود پتانسیل بالای ۷۱ هزار مگاواتی انرژی خورشیدی در ایران، توسعه این نیروگاه‌ها صرفاً تابع پتانسیل منابع طبیعی نیست و ماهیت متناوب این منابع سبب می‌شود که افزایش ظرفیت نصب شده، بدون توجه به قابلیت‌های شبکه برق، پس از عبور از یک سطح مشخص، اثربخشی خود را از دست بدهد.

بر اساس برآوردهای سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، پتانسیل کل توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور حدود ۱۲۴ هزار مگاوات برآورد می‌شود که از این میزان، ۷۱ هزار مگاوات مربوط به انرژی خورشیدی و ۴۹ هزار مگاوات مربوط به انرژی بادی است. این گزارش با بهره‌گیری از چارچوب شش مرحله‌ای آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) که شبکه برق را بر اساس میزان آمادگی آن برای ادغام و بهره‌برداری از منابع تجدیدپذیر طبقه‌بندی می‌کند، نشان داده است که شبکه برق ایران در حال حاضر در فاز نخست ادغام منابع تجدیدپذیر قرار دارد.

بر اساس این چارچوب، با ساختار فعلی شبکه، توسعه منابع تجدیدپذیر تا حدود ۲۱ هزار مگاوات، بدون نیاز به تغییرات اساسی در شبکه، امکان‌پذیر است. همچنین از نظر فنی، توسعه تا حدود ۳۴ هزار مگاوات با انجام اصلاحات محدود در بهره‌برداری، بهبود پیش‌بینی تولید و افزایش انعطاف‌پذیری نیروگاه‌های متعارف، قابل تحقق خواهد بود. با این حال، نتایج شاخص «ظرفیت اعتباری» که میزان اثر واقعی ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های خورشیدی را در کاهش تقاضای اوج و ناترازی شبکه اندازه‌گیری می‌کند، نشان می‌دهد که توسعه نیروگاه‌های خورشیدی تا حدود ۲۰ هزار مگاوات بیشترین کارایی را در کاهش ناترازی دارد و پس از آن، افزایش ظرفیت نصب‌شده اثر متناسبی بر کاهش میزان و ساعات ناترازی شبکه نخواهد داشت.

بر اساس محاسبات انجام‌شده در این گزارش، توسعه حدود ۲۰ گیگاوات نیروگاه خورشیدی می‌تواند دستاوردهای قابل توجهی در کاهش ناترازی برق کشور به همراه داشته باشد. جبران حدود ۷۵ درصد از انرژی تأمین‌نشده شبکه برق، کاهش ۶۱ درصدی ساعات ناترازی (۶۶۴ ساعت از ۱۰۸۶ ساعت ناترازی) و کاهش ساعات ناترازی به ۴۷ ساعت در سال در صورت ترکیب با بهره‌برداری بهینه از نیروگاه‌های برق آبی موجود (معادل بیش از ۹۰ درصد کاهش ساعات خاموشی) از جمله این دستاوردهاست.

از ۲۰ گیگاوات انرژی خورشیدی، بدون استفاده از راهکارهای مکمل مانند سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی، افزایش انعطاف‌پذیری شبکه و ارتقای شبکه انتقال و توزیع، اثر قابل توجهی در کاهش خاموشی‌ها ایجاد نمی‌کند و بازده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. یکی از یافته‌های کلیدی این گزارش، تأکید بر این نکته است که بخش قابل توجهی از ساعات ناترازی برق کشور در ساعات فاقد تابش خورشید رخ می‌دهد؛ بنابراین، توسعه صرف نیروگاه‌های خورشیدی نمی‌تواند به تنهایی مشکل ناترازی را برطرف کند و بهره‌گیری از منابع انعطاف‌پذیر مانند نیروگاه‌های برق آبی یا سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی ضروری است.

بر اساس مدل‌سازی انجام‌شده در این گزارش، بهره‌برداری هماهنگ نیروگاه‌های خورشیدی و برق آبی می‌تواند اثربخشی توسعه خورشیدی را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. با توسعه ۲۰ گیگاوات نیروگاه خورشیدی و بهره‌برداری هماهنگ با نیروگاه‌های برق آبی، ساعات ناترازی از ۱۰۸۶ ساعت به حدود ۴۷ ساعت در سال کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده موفقیت راهبرد ترکیبی خورشیدی-آبی برای رفع عملی ناترازی است.

سیاست‌های ناکام، خزانه کم‌درآمد

کاهش درآمد واقعی مالیاتی را باید بازتاب عملکرد کلان اقتصاد و در سطحی بالاتر، نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت دانست.

سیاست‌گذاران نه تنها نتوانستند روند رشد سال‌های گذشته را حفظ یا تقویت کنند، بلکه در جلوگیری از ورود اقتصاد به فاز رکود نیز ناکام ماندند.

بنابراین، افت درآمد‌های مالیاتی صرفاً چالشی مربوط به نظام مالیاتی نیست، بلکه نشانه‌ای آشکار از کاهش ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد است؛ وضعیتی که مسئولیت مستقیم آن متوجه سیاست‌های اقتصادی دولت بوده و اکنون آثار مخرب آن در مهم‌ترین منبع درآمد پایدار بودجه نمایان شده است.

بین الملل

نیویورک تایمز: پنتاگون ده‌ها فقره صدمه نظامیان آمریکایی را مخفی نگه داشته است

چندین مقام آگاه آمریکایی به نیویورک تایمز این رسانه نزدیک به دموکرات‌ها گفتند که در جریان این حملات ده‌ها سرباز آمریکایی زخمی و به چندین بالغرد خسارت وارد شد.

با این حال وزارت دفاع آمریکا حملات گذشته و همچنین تلفات و خسارات وارد شده را فاش نکرد. یک مقام نظامی آمریکایی گفت که فرماندهی مرکزی (سنتکام) موظف به انتشار اطلاعات در مورد سربازان مجروح نیست، به خصوص زمانی که به سرعت به خدمت وظیفه باز می‌گردند. شیوه نامه پنتاگون در مورد اعلام علنی مشخصات سربازان کشته شده مستلزم آن است که ۲۴ ساعت پیش از آن به نزدیکان این افراد اطلاع رسانی شده باشد. نام سربازان زخمی نیز معمولاً منتشر نمی‌شود.

سنتکام ۲۷ تیر در بیانیه‌ای اعلام کرد که چهار سرباز آمریکایی که در حمله جمعه زخمی شده بودند، به بیمارستان‌های اردن منتقل و مرخص شده‌اند. در این بیانیه آمده که سربازان آمریکایی بیشتری جراحات جزئی برداشته و به خدمت بازگشته‌اند؛ با این حال تعداد این مجروحان مشخص نشده است. طبق گفته فرماندهی مرکزی، بیش از ۴۰۰ سرباز آمریکایی در جنگ با ایران زخمی شده‌اند. پنتاگون از اوایل جنگ به صورت دوره‌ای تعداد کل نیروهای نظامی مجروح و بازگشته به خدمت را گزارش می‌کرد، اما در هفته‌های اخیر به روزرسانی آمار تجمیعی را متوقف کرده است. سنتکام دیشب در تازه‌ترین به‌روزرسانی خود از کشف جنازه یک نظامی و کشته شدن یک نیروی دیگر آمریکایی خبر داده بود و در نتیجه تعداد کشته‌های آمریکایی جنگ اخیر به ۱۷ تن افزایش یافت.



آخرین مسیر صادرات نفت ریاض زیر سایه تهدید رفت

کابوس عربستان به حقیقت پیوست

آنچه واشنگتن و متحدانش با آتش افروزی علیه ایران آغاز کردند، اکنون دامین اصلی‌ترین متحد عرب خود را گرفته است. با اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن، ریاض همزمان در دو گلوگاه حیاتی هرمز و باب‌المندب تحت فشار قرار گرفته. فشاری که می‌تواند صادرات نفت این کشور را با چالش جدی روبه‌رو کرده و قیمت انرژی را به رکوردهای تازه‌ای برساند.

این همان قیچی دولبه‌ای است که نتیجه مستقیم سیاست‌های ماجراجویانه آمریکا و همراهی برخی شیوخ منطقه با پروژه فشار علیه ایران محسوب می‌شود. سال‌ها تصور می‌شد که جنگ، تحریم و فشار تنها هزینه‌ای برای محور مقاومت خواهد داشت، اما اکنون مشخص شده است که هرگونه بی‌ثباتی در آبراه‌های منطقه، پیش از همه دامین صادرکنندگان بزرگ نفت و حامیان سیاست‌های واشنگتن را خواهد گرفت.

از سوی دیگر، آثار این تحول صرفاً محدود به عربستان نیست. بازارهای جهانی انرژی به شدت نسبت به امنیت هرمز و باب‌المندب حساس هستند. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی جهان است و باب‌المندب نیز حلقه اتصال دریای سرخ به اقیانوس هند و مسیر اصلی تجارت میان آسیا و اروپا به شمار می‌رود. اکنون اگر تهدیدهای یمن از مرحله اعلام به مرحله اجرا برسد و زمزمه بسته شدن کامل باب‌المندب جدی‌تر شود، جهان باید منتظر شوکی بزرگ‌تر از بحران‌های انرژی سال‌های اخیر باشد.

افزایش قیمت نفت در چنین شرایطی تقریباً قطعی به نظر می‌رسد، اما ماجرا تنها به نفت ختم نخواهد شد. گاز، محصولات پتروشیمی، مواد شیمیایی، کودهای کشاورزی و حتی زنجیره تأمین مواد غذایی نیز از جهش هزینه حمل‌ونقل و اختلال در مسیرهای تجاری متأثر خواهند شد.

واقعیت آن است که زبان زور و جنگ افروزی، منطقه را به نقطه‌ای رسانده که اکنون هزینه ادامه تنش برای آمریکا و متحدان عربش از هزینه عقب‌نشینی بیشتر شده است.

می‌کند. خبرگزاری رویترز به این اقدام یمن اشاره کرده است و فایننشال تایمز هشدار داده است که حتی صرف اعلام این محاصره می‌تواند موجب اخلال در کشتیرانی و ایجاد نااطمینانی گسترده برای بنادر سعودی شود. این مسئله از آن جهت اهمیت حیاتی دارد که عربستان در ماه‌های اخیر برای دور زدن بحران تنگه هرمز، بیش از هر زمان دیگری به مسیر دریای سرخ و بندر

ینبع وابسته شده است. پس از آنکه حملات آمریکا علیه ایران و تشدید تنش‌های منطقه‌ای موجب ناامن شدن تنگه هرمز شد، عربستان بخشی از صادرات نفت خود را از طریق خط لوله شرق به غرب و انتقال نفت به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ انجام می‌داد تا از وابستگی به هرمز بکاهد. اما اکنون همان مسیر جایگزین نیز در معرض تهدید مستقیم قرار گرفته است. به بیان دیگر، اگر هرمز برای عربستان یک گلوگاه بود، باب‌المندب و دریای سرخ قرار بود راه تنفس ریاض باشند اما انصارالله قیفاً دست خود را روی همین نقطه گذاشته است.

فایننشال تایمز تصریح می‌کند که باب‌المندب در شرایط فعلی به شاهراه اصلی صادرات نفت عربستان به آسیا تبدیل شده و روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از طریق خط لوله شرق به غرب و بندر ینبع صادر می‌شود. بسته ماندن هرمز از یک سو و تهدید عملی باب‌المندب از سوی دیگر، عربستان را در وضعیتی قرار می‌دهد که نه امکان صادرات ایمن از خلیج فارس را دارد و نه اطمینانی نسبت به مسیر دریای سرخ.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

با اعلام رسمی آغاز محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن، معادلات ژئوپلیتیک و انرژی منطقه وارد مرحله‌ای تازه شد. مرحله‌ای که می‌تواند برای ریاض به یک کابوس دردناک تبدیل شود. آنچه امروز در دریای سرخ و باب‌المندب در حال شکل‌گیری است، صرفاً یک تهدید نظامی یا یک جنگ روانی نیست، بلکه تکمیل همان فشاری است که در نتیجه حملات آمریکا و با ناامن و بسته شدن تنگه هرمز، شریان‌های صادراتی عربستان را بسته است. اکنون ریاض در میان دو تیغه یک قیچی ژئوپلیتیکی گرفتار شده است. قیچی‌ای که هرچه زمان بیشتری بگذرد، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن سنگین‌تر خواهد شد.

انصارالله یمن در بیانیه رسمی خود اعلام کرده است که در پاسخ به سال‌ها محاصره یمن، محاصره دریایی علیه دشمن سعودی را از همین لحظه اجرایی



صورت جدید غرب آسیا

با اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن، در حالی که تنگه هرمز نیز همچنان در وضعیت بحرانی قرار دارد، ریاض در معرض فشار همزمان بر دو شاهراه حیاتی صادرات نفت قرار گرفته. وضعیتی که می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد سعودی تحمیل کرده و بازار جهانی انرژی را در قیمت‌ها قرار دهد.

یادداشت

حماس در امتداد خط سنوار

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

انتخاب «خلیل الحیه» به ریاست دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس را باید فراتر از یک جابه‌جایی تشکیلاتی تحلیل کرد. این انتخاب، در واقع همه‌پرسی درون‌سازمانی درباره مسیر آینده حماس بود. مسیری که میان دورویکرد متفاوت قرار داشت: ادامه خط مقاومت شهیدان اسماعیل هنیه و یحیی سنوار یا بازگشت به الگوی سال‌های گذشته با محوریت خالد مشعل. نتیجه اما روشن شد. حماس با انتخاب الحیه نشان داد که قصد تغییر ریل‌ندارد و همچنان در همان مسیر حرکت خواهد کرد.

رقابت میان خالد مشعل و خلیل الحیه، مهم‌ترین و حساس‌ترین انتخابات داخلی حماس در سال‌های اخیر بود. کشیده شدن انتخابات به دور دوم نیز از اهمیت این رقابت حکایت داشت، اما سرانجام آرای شورای حماس، پیامی صریح به بیرون از این جنبش مخابره کرد. اکثریت قاطع اعضا، استمرار خط سنوار را بر هر گزینه دیگری ترجیح دادند. گزارش‌ها از اختلاف قابل توجه آرا و کسب تنها یک رأی برای مشعل در برابر سیزده رأی الحیه، نشان‌دهنده انزوای سیاسی جریان متمایل به تغییر در ساختار رهبری حماس است.

این انتخاب از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که در ماه‌های گذشته، برخی محافل منطقه‌ای و غربی امیدوار بودند پس از شهادت یحیی سنوار، حماس به سمت چهره‌ای حرکت کند که از نگاه آنان انعطاف بیشتری در معادلات سیاسی داشته باشد. خالد مشعل نیز از سوی همین محافل به عنوان گزینه‌ای متفاوت معرفی می‌شد. اما رأی شورای حماس نشان داد که این جنبش نه تنها از راهبرد مقاومت عقب‌نشینی نکرده، بلکه آن را تثبیت کرده است.

خلیل الحیه از بنیان‌گذاران حماس و از نزدیک‌ترین یاران شهیدان هنیه و سنوار به شمار می‌رود. او سال‌ها در متن تصمیم‌سازی‌های راهبردی جنبش حضور داشته و همزمان مسئولیت پرونده‌های پیچیده‌ای مانند تبادل اسرا را برعهده داشته است.

زندگی شخصی الحیه نیز گواهی بر همین رویکرد است. او بارها هدف ترور رژیم صهیونیستی قرار گرفته و ده‌ها نفر از اعضای خانواده خود، از جمله چند فرزند، نوه‌ها و بستگان نزدیکش را در حملات اسرائیل از دست داده است. تنها چندی پیش نیز در حمله رژیم صهیونیستی به محل استقرار هیئت مذاکره‌کننده حماس در دو حه، فرزندش همام و رئیس دفترش به شهادت رسیدند. چنین کارنامه‌ای باعث شده است که او در میان فلسطینیان نه صرفاً یک سیاستمدار، بلکه نماد هزینه دادن در مسیر مقاومت شناخته شود.

از سوی دیگر، انتخاب الحیه حامل یک پیام منطقه‌ای نیز هست. در شرایطی که محور مقاومت با فشارهای بی‌سابقه سیاسی، امنیتی و نظامی روبه‌روست، حماس ترجیح داد رهبری را به چهره‌ای بسپارد که بیشترین همسویی را با میراث هنیه و سنوار دارد. این تصمیم نشان می‌دهد ترور رهبران مقاومت، برخلاف محاسبات تل‌آویو، نه موجب تغییر راهبرد حماس شده و نه شکاف تعیین‌کننده‌ای در رأس این جنبش ایجاد کرده است.

یادداشت

دیپلماسی در حلقه تکرار

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

فیلم روز گراند‌هاگ یکی از تحسین شده ترین فیلم های سینمای هالیوود به شمار می آید که در سال ۱۹۹۳ رکورددار فروش در آمریکا نیز بود. در فیلم «روز گراند‌هاگ»، قهرمان داستان هر صبح چشم باز می کند و می بیند دوباره در همان روز قبلی گیر افتاده است؛ همان آدم‌ها، همان اتفاقات و همان پایان تکراری. حالا اگر بخواهیم برای وضعیت بخشی از سیاست خارجی کشور یک اسم بگذاریم، چه تعبیری بهتر از «سندروم گراند‌هاگ»؟ با این تفاوت که در نسخه ایرانی، هر صبح همان مذاکره‌چی‌ها بیدار می‌شوند، همان نسخه‌های سوخته را روی میز می‌گذارند و انتظار دارند این بار، برخلاف همه دفعات قبل، نتیجه دیگری به دست بیاید!

۲۹ تیر، اسماعیل بقایی در نشست خبری از «پیشنهادهای جدید» میانجی‌ها و «مذاکره مجدد» سخن گفت و اعلام کرد جزئیات پیشنهادها را فعلاً مطرح نمی‌کند. همین چند کلمه کافی بود تا بازار انرژی جهان پیام کاهش تنش را دریافت کنند و طرف مقابل، به جای آنکه زیر فشار بماند، یک نفس راحت بکشد. ظاهراً در قاموس این دیپلماسی، حتی وقتی جنگ و فشار ادامه دارد، نباید اجازه داد دشمن نگران بماند! کافی است چند واسطه حرفی بزنند تا بلافاصله پنجره امید به مذاکره باز شود و پیامش هم به سرعت به گوش طرف مقابل برسد.

اما این فقط ماجرای یک نشست خبری نیست. دوباره محمدجواد ظریف هم مقاله نوشته و همان نسخه قدیمی را از کشوی سیاست خارجی بیرون آورده است. گویی برجامی‌ها یک تقویم خاص دارند: هر وقت فشار بالا می‌رود، هر وقت دشمن باید نگران باشد، هر وقت تجربه گذشته باید به کار گرفته شود، ناگهان همان چهره‌ها و همان تحلیل‌ها بازمی‌گردند. برجامی‌های قدیمی و برجامی‌های مستقر در وزارت امور خارجه دولت پزشکیان، باز هم همان نسخه همیشگی را تجویز می‌کنند: مذاکره، اعتماد، میانجی‌گری و امید به اینکه این بار آمریکایی‌ها شاید آدم‌های دیگری باشند! میانجی‌ها نیز خود حکایت دیگری‌اند. قطر، با میزبانی از پایگاه‌های آمریکا، چگونه قرار است میانجی بی‌طرف میان ایران و واشنگتن باشد؟ پاکستان و عاصم منیر نیز در جریان جنگ و آتش بس نشان دادند که برای بازی در نقش «میانجی مستقل» اعتبار چندانی ندارند. کسی که در زمین آمریکا بازی می‌کند، نمی‌تواند داور مسابقه ایران و آمریکا باشد.

با این حال، ظاهراً قرار نیست کسی از این چرخه خارج شود. نه از تجربه برجام، نه از رفتار آمریکا و نه از ماهیت میانجی‌ها. این دایره‌ایک اشتباه مقطعی نیست؛ یک الگوی تکرارشونده است.

در «روز گراند‌هاگ» قهرمان داستان سرانجام زمانی از این چرخه بیرون می‌آید که تغییر می‌کند. سؤال اینجاست: آیا دیپلماسی برجامی هم روزی قرار است از خواب بیدار شود؟

نسخه تازه برای
واگذاری ابزارهای
قدرت

محمدجواد
ظریف، چند ماه
پس از مقاله
جنجالی خود در
فارن افزر، بار دیگر
در همین نشریه
قلم زده و این بار
نیز با مجموعه‌ای
از پیشنهادها،
از کنار گذاشتن
اهرم‌های قدرت
ایران تا پذیرش
محدودیت‌های
دائمی هسته‌ای
و اعتماد دوباره
به آمریکا و
همسایگان
متخاصم، تصویری
روشن از تداوم
همان تفکری
ارائه کرده است
که تجربه برجام
و تفاهم‌های
خسارت‌بار اخیر،
هزینه‌های سنگین
آن را برای کشور
آشکار کرده است.

می‌پیچد که در آن ایران باید محدودیت‌های دائمی و نظارت‌های گسترده را بپذیرد، در حالی که تضمین‌های طرف آمریکایی به اراده رئیس‌جمهور بعدی واشنگتن وابسته است. در چنین معامله‌ای، محدودیت برای ایران دائمی است و تعهد آمریکا، موقت و سیاسی.

ظریف در بخش دیگری از مقاله، در اوج واگرایی قدرت‌ها و در حالی که از خاک برخی کشورهای منطقه همچون کویت و امارات و بحرین علیه ایران عملیات نظامی انجام شده و تمامی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از هر کمکی به آمریکا در حملات به ایران دریغ نکردند، از کنسرسیون‌های اقتصادی و هسته‌ای منطقه‌ای سخن می‌گوید؛ حتی پیشنهاد می‌کند تنها مرکز غنی‌سازی غرب آسیا، کنسرسیون مشترک میان ایران و همسایگان باشد. این یعنی باز هم ایران باید توان بومی و مستقل خود را در ساختاری چندملیتی حل کند؛ همان الگویی که در برجام نیز تلاش شد ظرفیت هسته‌ای ایران را به موضوعی وابسته به رضایت دیگران تبدیل کند.

در این میان، پس از چندین بار خلف وعده و خیانت آمریکا در مذاکرات طی یک سال و چند ماه اخیر، باز هم ظریف به اختلاف میان واشنگتن و تل‌آویو دل بسته است. این در حالی است که تجربه نشان داده اختلاف تاکتیکی آمریکا و اسرائیل، در سایه بلاهت و ساده لوحی این تفکر و افراد مسئول و غیرمسئول وابسته به آن هر بار می‌تواند به ابزاری برای فریب تهران تبدیل شود.

ملت ایران پس از سال‌ها تجربه تفکر برجامی، دیگر تحمل بازگشت این نگاه را ندارد. مسئله فقط ظرف نیست؛ مسئله تفکری است که هر بار ابزار قدرت ایران را «هزینه» و وعده دشمن را «فرصت» می‌بیند. اکنون زمان آن است که جمهوری اسلامی یک بار برای همیشه تکلیف خود را با این جریان روشن کند؛ جریانی که از غربزدگی تاریخی تا نسخه‌های برجامی، بارها منافع ملی را قربانی اعتماد به دشمن کرده و همچنان، پس از همه شکست‌ها، برای ایران نسخه‌ای تازه از همان راه قدیمی می‌پیچد.

و ایران باید خویشتنداری کند؛ زیرا تهدید مکرر به بستن تنگه می‌تواند جهان را علیه ایران متحد کند و وابستگی کشورها به این آبراه را کاهش دهد. راه حل او نیز گفت‌وگو و ایجاد شبکه امنیتی منطقه‌ای است؛ شبکه‌ای که قرار است از طریق همکاری با کشورهای ساحلی خلیج فارس، بهانه حضور قدرت‌های خارجی را از بین ببرد. این همان فرمولی است که پیش‌تر در برجام نیز تکرار شد: ایران ابزار قدرت خود را کنار بگذارد تا شاید طرف مقابل از خصومت دست بردارد. نتیجه آن تجربه امانه امنیت پایدار بود و نه لغو دائمی تحریم‌ها؛ بلکه محدودیت‌های سنگین، خروج آمریکا از توافق و بازگشت فشارها بود. اکنون ظریف بار دیگر مسئولان را به کنار گذاشتن یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت ایران دعوت می‌کند و راه جایگزین را گفت‌وگو با کشورهایی می‌داند که در بزنگاه‌های اخیر نه تنها در کنار آمریکا و اسرائیل ایستادند، بلکه از کمک به عملیات علیه ایران نیز دریغ نکردند.

پیشنهاد توافق امنیتی!

از این عجیب‌تر، پیشنهاد او درباره توافق امنیتی ایران و آمریکاست؛ توافقی که در ازای تضمین‌های ادعایی واشنگتن، خروج نام ایران و نهادهايش از فهرست‌های تروریستی، لغو تحریم‌ها و کمک به بازسازی، ایران باید تضمین‌های دائمی عدم اشاعه هسته‌ای بدهد، پروتکل الحاقی را بپذیرد و حتی فتوای رهبر فقید انقلاب درباره حرمت سلاح هسته‌ای را به قانون تبدیل کند. این در حالی است که حتی صاحب نظران روابط بین‌الملل در جهان همچون مرشایمر و همچنین بسیاری از دلسوزان و فقها در داخل کشور از مقامات نظام تغییر در دکترین هسته‌ای و حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را به واسطه وقوع دو جنگ در یک سال، ترور رهبری و آسیب دیدن بازدارندگی کشور مطالبه می‌کنند.

این پیشنهاد، عمق ناآشنایی ظریف با ساختار حقوقی و سیاسی آمریکا را نشان می‌دهد. آمریکا در سال ۲۰۱۷ یک توافق بین‌المللی را با تصمیم رئیس‌جمهور خود کنار گذاشت؛ اما ظریف هنوز نسخه‌ای

ظریف دوباره وارد میدان شد؛ نه با پاسخ به کارنامه دیپلماسی‌ای که خروجی آن برجام، فشار بیش‌تر و بازگشت تحریم‌ها و در نهایت جنگ بود، بلکه با نسخه‌ای تازه برای واگذاری ابزارهای قدرت ایران. مقاله جدید او در فارن افزر نشان می‌دهد که



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

نتیجه مقاله فروردین ماه ظریف و حرکت پس از آن به سمت تقاهمی که بسیاری از ناظران جهانی آن را خطایی راهبردی برای ایران می‌دانستند، کاهش نسبی فشار قیمت نفت بر اقتصاد آمریکا، فراهم شدن فرصت برای بازسازی قوای نظامی واشنگتن و باز شدن مسیر دور جدیدی از تقابل نظامی با ایران بود. حالا ظریف دوباره دست به قلم شده تا در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری به حفظ و تقویت اهرم‌های بازدارندگی خود نیاز دارد، نسخه‌ای تازه برای کنار گذاشتن آنها بیچد.

نکته جالب در ادبیات مقاله‌های ظریف این است که اگر خواننده هیچ شناختی از نویسنده، سابقه و مسئولیت‌های او نداشته باشد، ممکن است تصور کند متن را یک فرد غیرایرانی، مثلاً در یکی از پایتخت‌های اروپایی، نوشته است نه کسی که ۸ سال وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بوده و کسی که تمام حیات سیاسی‌اش از نظام و انقلاب اسلامی است. این در حالی است که کمتر نشانی از تجربه تاریخی ایران، بی‌اعتمادی انباشته ملت ایران به آمریکا، ماهیت ساختار قدرت در واشنگتن و تجربه مستقیم از خیانت‌های غرب در این نوشته‌ها دیده می‌شود.

ظریف البته یک ویژگی خاص نیز دارد: خودشیفتگی مزمنی که به نظرمی‌رسد پس از آنکه حتی بسیاری او را یک دیپلمات موفق و باهوش نمی‌دانند، او را به سمت نقش آفرینی به عنوان یک نظریه‌پرداز جهانی روابط بین‌الملل سوق داده است. نظریه‌پردازی خودخوانده‌ای که در عصرگذار قدرت، واگرایی و بازگشت رئال‌پولیتیک (realpolitik)، خود را در مقام دانشمند روابط بین‌الملل می‌نشانند، اما یکی از مهم‌ترین مکاتب این علم، یعنی رئالیسم، را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.

توصیف عجیب ظریف از هرمز

نمونه روشن این رویکرد، توصیه عجیب او درباره تنگه هرمز است. ظریف می‌نویسد اهرم این تنگه برای تهران «شکنده» است

یادداشت

وقتی جنایتکار در خانه هم هوشد!

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

حضور ترامپ در فینال جام جهانی حواشی زیادی داشت و یک رسوایی تمام و کمال دیگر برای بی‌آبروترین رئیس‌جمهور آمریکا به حساب آمد. ماجرا پیش از آغاز مسابقه شروع شد. جایی که مشکلاتی از قبیل صف‌های طولانی، نادبیر امنیتی، مشکل در ورود برخی رسانه‌ها و ... -که حضور ترامپ مسببش بود- تماشاگران را حسابی کلافه کرد. ترامپ طی مسابقه از پشت یک قفس شیشه‌ای مسابقه را تماشا کرد و هر بار نمایشگرهای غول‌پیکر استادیوم او را نشان دادند، صدای سوت و هو کردن تماشاگران در قلب نیویورک شنیده می‌شد.

در انتها هم رئیس‌جمهور جانی آمریکا مجبور شد جام قهرمانی را به اسپانیایی تقدیم کند که نماد حمایت از فلسطین و ایران در جنگ‌های پس از ۷ اکتبر بوده است. در مراسم اهدای مدال هم بازیکنانی از جمله دروازه‌بان ذخیره اسپانیا و کریستیان رومرو از تیم آرژانتین، با وجود پروتکل‌های سختگیرانه فیفا حاضر نشدند با ترامپ دست بدهند و همین مسئله در شبکه‌های اجتماعی بازخورد و بازدید بالایی داشت.

بی‌آبرویی رئیس‌جمهور جانی آمریکا در لحظه تقدیم جام به اوج رسید. جایی که ترامپ حاضر نبود از جمع بازیکنان اسپانیا بیرون برود تا آنها بتوانند طبق معمول عکس تیمی بگیرند. تا جایی که کاپیتان ترامپ این ماجرا را به روی ترامپ آورد و در انتها رئیس‌فیفا که ترامپ را همراهی می‌کرد، به زور ترامپ را از سکوی قهرمانی اسپانیا دور کرد.

اتفاقات فینال شبی وحشتناک برای سیاستمداران آمریکا و اسرائیل زد. ترامپ که همه روابط تجاری کشورش با اسپانیا را به اتهام حمایت آنها از مقاومت تعلیق کرده بود، اصلاً دوست نداشت جام را به اسپانیا و لاهین یامال -ستاره اسپانیا- تقدیم کند که حمایتش از فلسطین با حمل پرچم این کشور در جشن قهرمانی بارسلونا، رسانه‌های جهان را فتح کرده بود. ضمن این که نتانیاهو هم رسماً به دلیل نزدیکی‌اش به رئیس‌جمهور فاشیست آرژانتین، اعلام کرده بود که در فینال طرفدار آرژانتین است.

رسوایی‌های فینال برای ترامپ و دیگر جانیان هم‌دستش نقل همه محافل شده و کاربران فضای مجازی مشغول دست‌انداختن آنها هستند. یکی از وایرال‌ترین واکنش‌ها به اتفاقات فینال، کاریکاتور گیلمار فراگا است که تحقیر ترامپ در این مسابقه را تصویر کرده است.

درباره سوء تفاهمی به اسم جواد موگویی

مارادونا را بیخیال، غضنفر را بچسبید!

دروازه پشت سرش، به این نتیجه می‌رسد که چون به دروازه پشت سری، یعنی تیم خودی نزدیک‌تر است با یک شوت جانانه دروازه خودی را باز کند. این دقیقاً رویه‌ای است که جواد موگویی به ظاهر مستندساز در گفت‌وگوهایش با سران نظام انجام می‌دهد و برای کشور هزینه درست می‌کند. اما آیا این رویکرد سهویست یا عمدی در کار است؟ با تحلیل سابقه این فرد می‌توان به پرسش فوق پاسخ داد.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

جواد موگویی را مستندساز حوزه سیاسی-اجتماعی با رویکردی انقلابی لقب می‌دهند و راوی این جریان می‌دانند، اما با مروری اجمالی می‌توان این گزاره را به اثبات رساند که رویه تولیدات رسانه‌ای این فرد نه تنها نسبیتی دور با چهره‌های نزدیک به دولت اعتدال و گروه‌های اصلاح‌طلب ندارد، بلکه با برخورداری از رتوریک بی‌ظاهر حزب‌اللهی، همان انگاره‌های همیشگی طبقه متوسط و دوستداران توافق را به نحوی که نه سیخ بسوزد و نه کباب تکرار می‌کند. با این تفاوت که سازمان تبلیغات اسلامی و دیگر نهادهای حاکمیتی خللی بر سر راهش به وجود نمی‌آورند و مسیر را هم برای اشراف وی بر ادراک و ذهنیت طیف مسلمان و معتقد مردم ایران فرش می‌کنند.

او در گفت‌وگویی که ذیل برنامه «ماجرای جنگ ۲» با عباس عراقچی انجام داد، با خنده مستانه، سری افراشته و خیالی راحت، از اطلاعات فوق سری و محرمانه در مورد پناهگاه فرماندهان و مسئولان رده بالای کشور پرده برداشت و در ادامه حرف‌هایش را این‌طور توجیه کرد که دشمن تمام این اطلاعات را در اختیار دارد و حرف‌های او چیزی جز ذکر بدیهیات نیست (نقل به مضمون). سیر اشتباهات از تصمیم برای انجام این گفت‌وگو تا نظارت پسینی بر محتوای منتشر شده در مورد این برنامه غیر قابل چشم‌پوشی است.

چرا باید یک مجری و برنامه‌ساز تا این حد نسبت به مسائل سری کشور اطلاعات داشته باشد؟ چرا این امکان برای دیگران به وجود نمی‌آید و چرا

ناتو فرهنگی را جدی بگیرد

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

کار دیگر از شوخی‌های سخیف گذشته است؛ ظاهراً برخی برنامه‌سازان و مجریان پلتفرمی به این نتیجه رسیده‌اند که برای دیده شدن باید هر خط قرمزی را لگدمال کرد. حالا دیگر با لودگی‌های سطحی طرف نیستیم؛ شوخی‌های صریح جنسی، ادبیات زننده و پرسش‌های مبتذل، آرام‌آرام در حال تبدیل شدن به بخشی از سرگرمی رسمی و عمومی هستند.

در برنامه «دری به روی جام» در «آپارات اسپورت»، ایمان صفا به عنوان مهمان، در حضور یک خانم، زننده‌ترین شوخی‌های جنسی را با وقاحت بر زبان می‌آورد؛ گویی نه دور بین روشن است، نه برنامه مخاطب عمومی دارد و نه کسی قرار است درباره این ابتذال پاسخ‌گو باشد. در برنامه‌ای دیگر، مجری مردی که اساساً از جنس کم‌دین‌های اینستاگرامی است، به جای گفت‌وگوی حرفه‌ای با بازیگر زن مهمان، سراغ پرسش‌های زرد درباره پروتز و جراحی زیبایی می‌رود؛ پرسش‌هایی آن قدر بی‌ربط و مبتذل که حتی صدای خود بازیگر هم درمی‌آید که این چه سؤال‌هایی است که پرسیده می‌شود!

مسئله فقط بی‌مزه بودن این برنامه‌ها نیست. مسئله این است که عده‌ای تصور کرده‌اند هر چه بی‌پروا تر و بی‌حیا تر باشند، حتماً بامزه‌ترند. انگار در منطق جدید سرگرمی، ابتذال جای خلاقیت را گرفته و وقاحت جای طنز نشسته است.

اما سؤال اصلی از این جماعت نیست؛ سؤال از مسئولان ذی‌ربط است: این که دقیقاً کجا هستند؟ چه کسی بر این وضعیت نظارت می‌کند؟ چرا باید فرهنگ و سرگرمی میلیون‌ها ایرانی به حال خود رها شود تا مشتی سلبریتی مجازی و کم‌دین اینستاگرامی، به ابتدایی‌ترین شکل ممکن، ذائقه فرهنگی جامعه را تعیین کنند؟ چرا کسی مبحث ناتو فرهنگی را جدی نمی‌گیرد؟ فرهنگ را نمی‌شود به حال خود رها کرد. وقتی میدان را خالی می‌کنید، طبیعی است که ابتذال وارد می‌شود. سؤال اینجاست: چرا فرهنگ کشور را به مشتی ناآگاه سپرده‌ایم؟ جنگ نظامی با آمریکا و اسرائیل نتوانست جمهوری اسلامی را از بین ببرد اما دست‌فرمانی که برخی از متولیان فرهنگ اتخاذ کرده‌اند خطری به مراتب جدی‌تر از جنگ نظامی را در پی دارد و قطعاً خسارات جبران‌ناپذیر به کشور وارد خواهد کرد.



پس از فینال مسابقات جام جهانی فوتبال و قهرمانی اسپانیا در این مسابقات، صحبت‌های بازیگر مشهور اسپانیایی -خاویر بارد- درباره مقاومت و ایران، بار دیگر مورد توجه رسانه‌های جهان قرار گرفت. خاویر بارد که

به دلیل نقد سیاست‌های رژیم‌های تروریستی اسرائیل و آمریکا تحت فشار سیستم استکباری جهانی است، در فینال مسابقات حضور پیدا کرد و پس از تماشای بازی به مناسبت قهرمانی اسپانیا پیامی به بازیکنان هموطنش داد. او در این پیام نوشت:

«گروهی از بازیکنان که نماینده تنوع جامعه اسپانیا هستند و از احترام به حقوق همه اقشار و ملت‌هایی که صدایشان شنیده نمی‌شود، حمایت می‌کنند ... شما به حق قهرمانان جهان هستید»

او همچنین در مصاحبه‌اش پس از فینال، به شرایط سخت تیم ملی ایران و رفتار ظالمانه و غیورپویشی دولت آمریکا با تیم فوتبال کشورمان اشاره کرد. بارد به ناداوری علیه تیم ایران، شرایط سخت اقامت و صدور ویزا اشاره کرد و رفتار دولت آمریکا در قبال ایران را «زشت» و «دیوانگی» توصیف کرد.

خاویر بارد پس از فینال، از ایران و آزادی بازیکنان اسپانیا گفت